



DC  
COMICS™

19

COMIC CITY

HESTER  
GAPSTUR  
FILARDI



THE **FLASH**  
SEASON ZERO

# THE FLASH

## SEASON ZERO

BLACK STAR  
Part 1 of 1

مترجم و ویراستار  
احمد کلاتیانی

Script & Pencils  
Phil Hester

Inks  
Eric Gapstur

Colors  
Nick Filardi

Letters  
Deron Bennett

Cover  
Jason Badower &  
Annette Kwok

Assistant Editor  
Brittany Holzherr

Editor  
Alex Antone

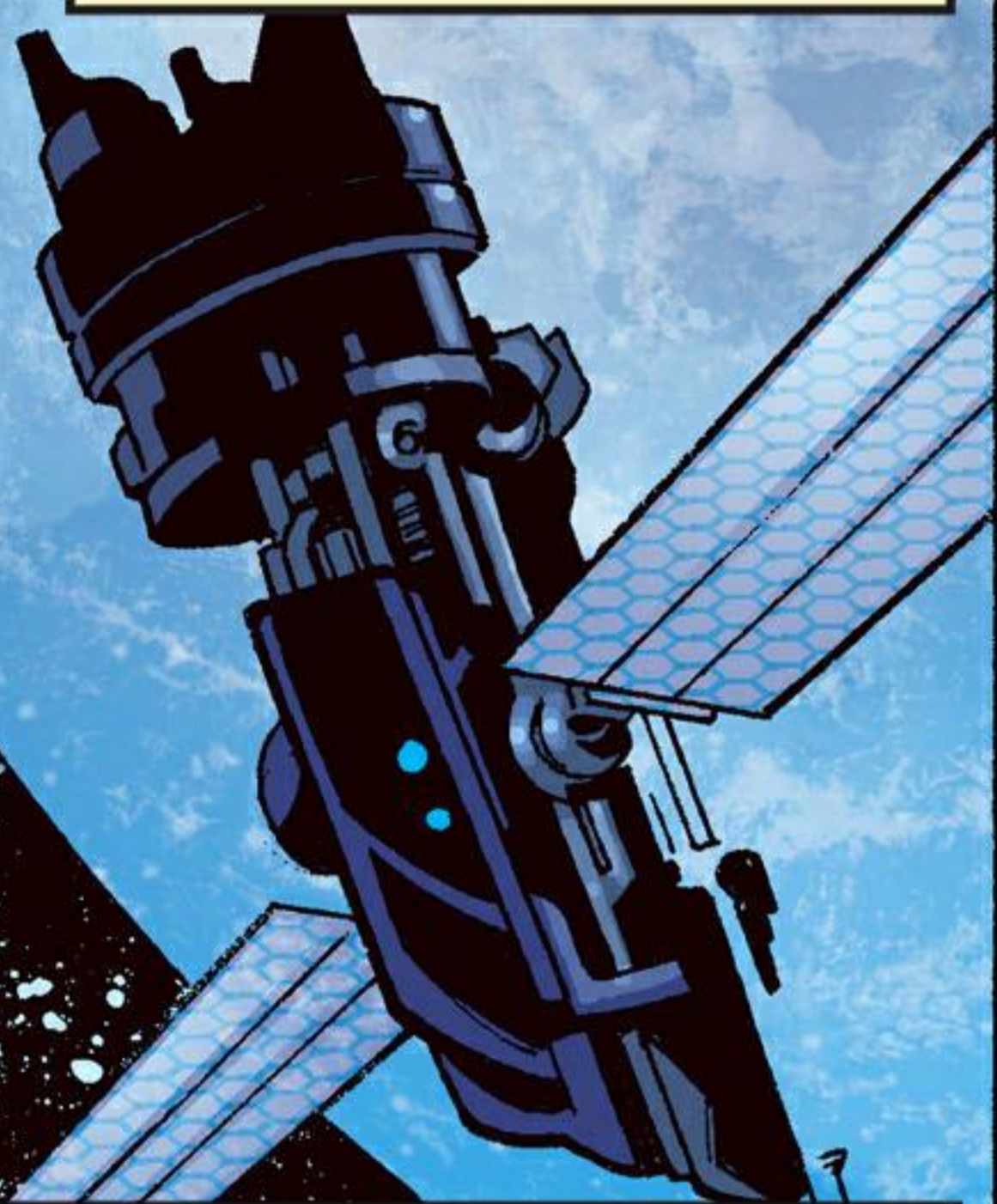
The Flash: Season Zero Chapter 19™ and © 2015 DC Comics.  
All Rights Reserved.

COMIC CITY



بهش گفتن  
هیچ خوابی  
نمیبینه.

بهش گفتن که  
میخواهه، ۹ ماه تو یه  
ماهواره که اندازه تابوته  
دور زمین میچرخه ...



... و بعدش هم بدون هیچ حافظه ای از  
اون دوران بر میگردد خودش و فقط با خودش  
اطلاعاتی رو برای دانشمندا میاره  
تا تحقیقاتشون رو انجام بدن.

بدون هیچ حافظه ای از اون دوران.

باور کن  
سرگرد سانگ  
...

اون واقعا  
لازمه دکتر اسنو؟



با همه ی وسایلی که قراره وصل  
کنیم بهت، به نفعته که خواب باشی.



وقتی که این  
کارش رو بکنه،  
مثل این میمونه که  
یه چرت کوچولو  
بزنی.

صورت منو  
نگاه کن.

شاید وقتی پا میشی  
مدل موهام عوض شده  
باشه، ولی همه چی مثل  
همین چند دقیقه قبل اینکه  
منو آمپولم رو ببینی  
میمونه.

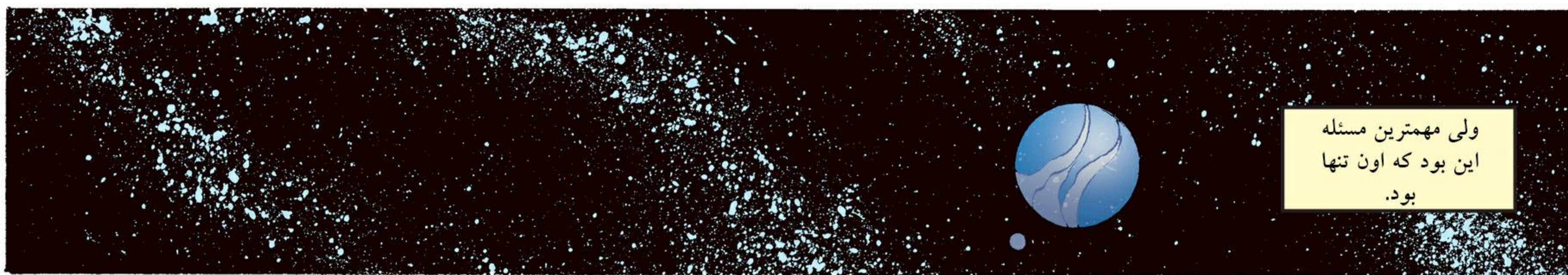




ولی اون خیلی  
بالتر از خورش بیدار شد،  
تنهای تنها.

اون همه ی چیزایی که سنسور ها  
دیدن دید. همه جابه جایی های مداری و  
آزمایش های سخت افزاری رو حس کرد.

اون و ماشین  
با هم یکی بودن.



ولی مهمترین مسئله  
این بود که اون تنها  
بود.



لطفا اسمتون  
رو برای دوربین  
بگین.

کیتلین  
اسنو.

ارتباط رشته های عصبی با سیستم های کامپیوتری خیلی کامل تر از انتظارات بود.

یا شاید اونا دقیقا همینو میخواستن.

یک مغز گیر افتاده بین یک بدن و یک ماشین.

ماه ها تبدیل به سالها شدن، ولی اونا خیلی داشتن از آزمایشاتشون یاد میگرفتن و قصد دست برداشتن نداشتن.

او فراموش کرد که قبل از این مدارگردی طولانی کی بوده.

رتبه اش رو یادش رفت. اسمش رو یادش رفت.

همه چیز رو فراموش کرد ... به جز رویای که بهش گفته بودن هیچوقت نخواهد داشت.

به صورتم نگاه کن سرگرد.

تا روزی که رعد و برق از زمین اومد بالا و تابوتش رو باز کرد.

انرژی سیاه در ماشین و بدنش به چرخش در اومد ...



هر دو را نابود کرد ...  
و هر دو را دوباره ساخت.

حالا همه چی قطع شده بود.  
کامپیوتر دستوری برای اجرا نداشت  
و کسی هم نبود که کنترلش کنه.

سرگرد رو از اون  
رویای پاره نجات داد.



سپس ستاره ی سیاه  
تصمیم گرفت برگرده  
خونه.



پسر واسه اینکه  
همه چی مشخص و واضح  
باشه، شما خودتون نخواستین  
از حقون که حضور یک وکیل  
استفاده کنین.

و رضایت میدید که این  
مکالمه توسط خانم کپلان  
ضبط شه.

درسته.



بری، باید به  
بچه هاتون بگی  
عقب نشینی  
کنن.

داداش من اینجا  
دستور نمیدم. همین که  
میزارن اینجا باهاشون باشم  
باید ممنون باشم.

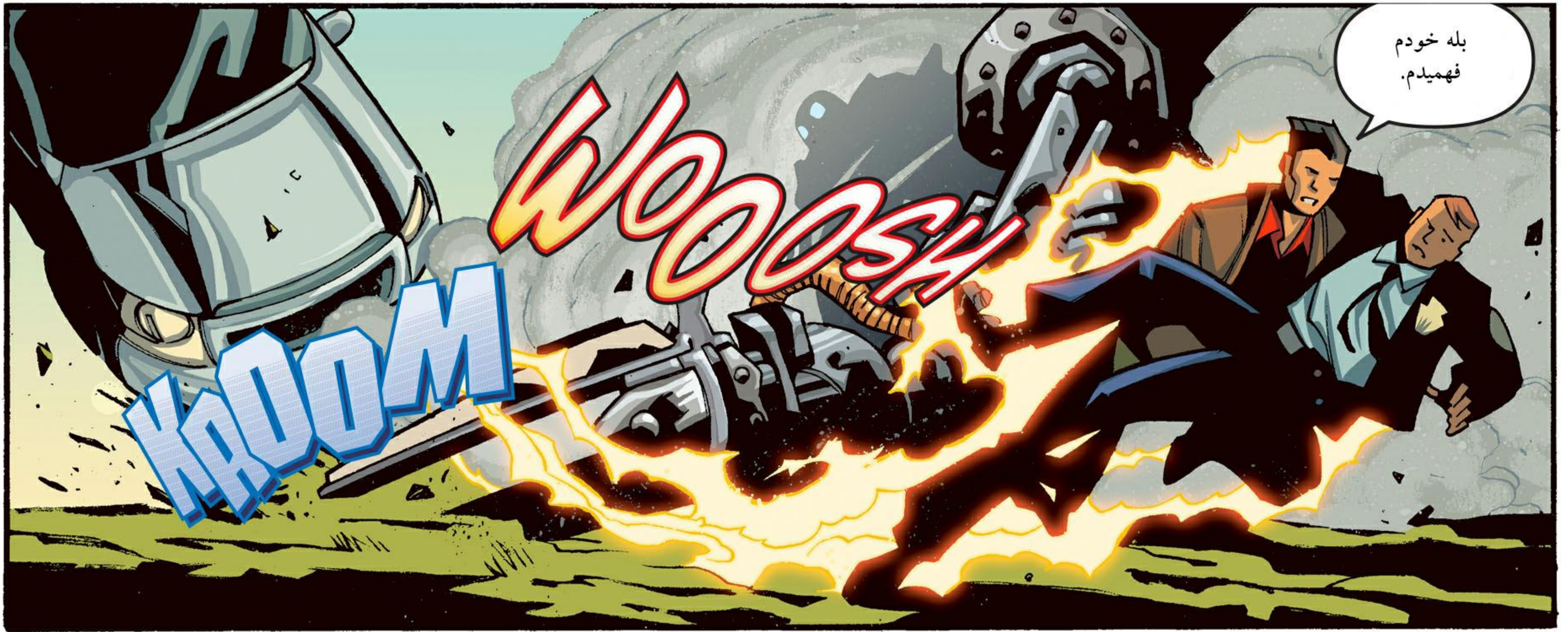
من فقط اینجا  
چون که اجازه دادن  
یه "خوره ی علم" قبل اینکه  
ارتش بریزه وسط اینجارو  
بینه.



نمیفهمی بری.  
اون چیزه خیلی داغه!  
خیلی خیلی داغه!



و آشغال  
نیست.







خوب الان هممون  
قراره سرطان بگیریم  
یا همچین چیزی؟

شکافش خیلی  
کوچیکه، واکنشش هم خیلی  
کم بوده، ولی به هر حال  
تابش مستقیمه دیگه.

من که توش  
حموم آفتاب  
نمیگیرم.



درضمن، من  
دارم یه سری نشانه های  
انرژی سیاه ازش دریافت  
میکنم که باعث میشه بفهمیم  
این مشکل ماست.

انرژی سیاه؟  
یعنی انرژی سیاه  
آزمایشگاه استار؟



اون قضیه کلی انرژی  
سیاه تو کل شهر پخش کرد،  
ولی علاوه بر اون یه تیکه کوچولو  
هم صاف فرستاد بالا.

ولی هیچکس  
نمیدونه دیگه چقدر  
پیش رفت.

ظاهرا به اندازه ای  
بوده که یه ماهواره ی  
مداری رو بشکونه.



تا موقعی که یه راه واسه خاموش کردنش پیدا میکنیم، هرکاری میتونی بکن تا مردم رو از سر راهش دور کنی.

یه اشتباه کوچولو میتونه این یارو رو تبدیل به یه بمب کثیف کنه، درسته کیتلین؟

کیتلین؟



بله قبول دارم.

من به طور کاملا عمومی، کدهای دستوری خصوصی رو که برای زمان پروژه ام حفظ کرده بودم، اعلام کردم.

تنها راهی بود که میشد واحد آسیب دیده رو از شهر دور نگه داشت.

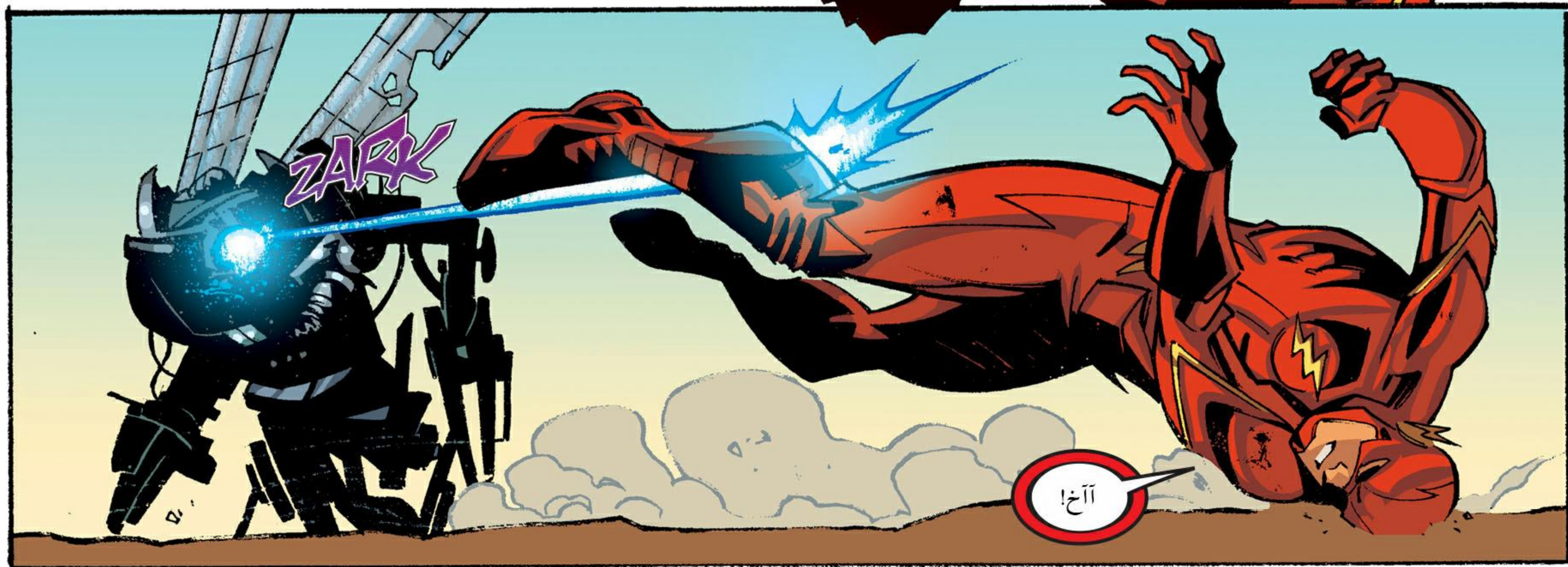
پس به همه ی اینها اعتراف میکنی؟



حداقلش اینه که  
خیلی آروم حرکت میکنه.  
پاهاشم لق میزنه.

فکر کنم بتونم  
ترتیش رو با  
یه ...

ZARK  
ZARK



ZARK

آآخ!



اون دیگه چه کوفتی بود؟ یه جوری زدتم انگار که داشتم صحنه آهسته حرکت میکردم.

اون ماهواره یه سیستم دفاعی داره که طراحی شده تا شهاب سنگهایی با سرعت هشتاد هزار مایل در ساعت رو بزنه.  
از نظر ستاره ی سیاه تو واقعا داشتی صحنه آهسته حرکت میکردی.



ستاره ی سیاه؟ تو اسم اونم میدونی؟

بایدم بدونم.

من تو ساختش کمک کردم.



چرا که نه؟ حقیقتیه که دوست دارم حتی اخبار هم نشون بده، حتی اگه بخواین بابتش جریمه ام کنین.

باید باهاتون روراست باشم خانم اسنو، من واقعا نیازی به اعترافتون ندارم.

من بیشتر از چیزی که نیاز دارم مدرک دارم تا بتونم واسه همیشه بندازمتون زندان.

نیازی نیست  
که جلو شو  
بگیری.

دروازه های ارتباطی ماهواره  
توسط یه سری سیر رادیو ای  
بسته شده.

مساله اینه که  
بدون دیدن هیچ  
آسیب جدی ای میتونی  
باهاش تماس داشته  
باشی.

آره،  
ولی خوب ... هنوز  
درد داره.

باهاش تماس داشتن  
یه چیزه، جلو شو گرفتن  
یه چیز دیگست.

زخمات یه سوزش  
کوچولو بیشتر  
نیستن.

اکثر شهاب سنگا رو میشه  
با یه انرژی خیلی کم زد. واسه  
همین لیزرایی که داره خیلی  
قدرتمند نیستن.

اگه بتونی  
اونو جا به جاش  
کنی، شاید بتونم  
باهاش حرف  
بزنم.







آی.

ZARK

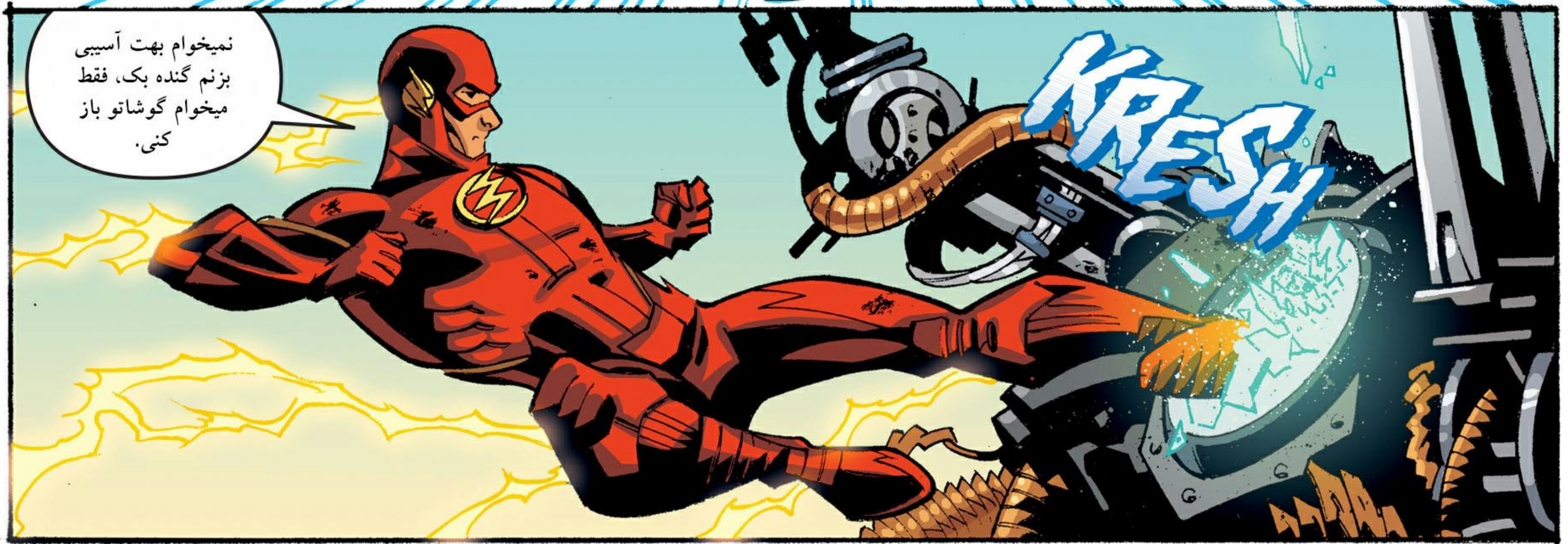
ZARK

ZARK

ZARK

آی.  
آی.

آی.



نمیخوام بهت آسیبی  
بزنم گنده بک، فقط  
میخوام گوشاتو باز  
کنی.

KRESH



حالا که اون  
لیزر شرش کنده  
شد ...



چه اتفاقی  
اینجا افتاد؟؟

ریچل، اونو  
ضبط ...

ریچل؟؟





بری، از اونجا  
بکش کنار! اون  
لهت میکنه!

آیی ... ولی  
اونطوری دیگه  
نمیتونم ...



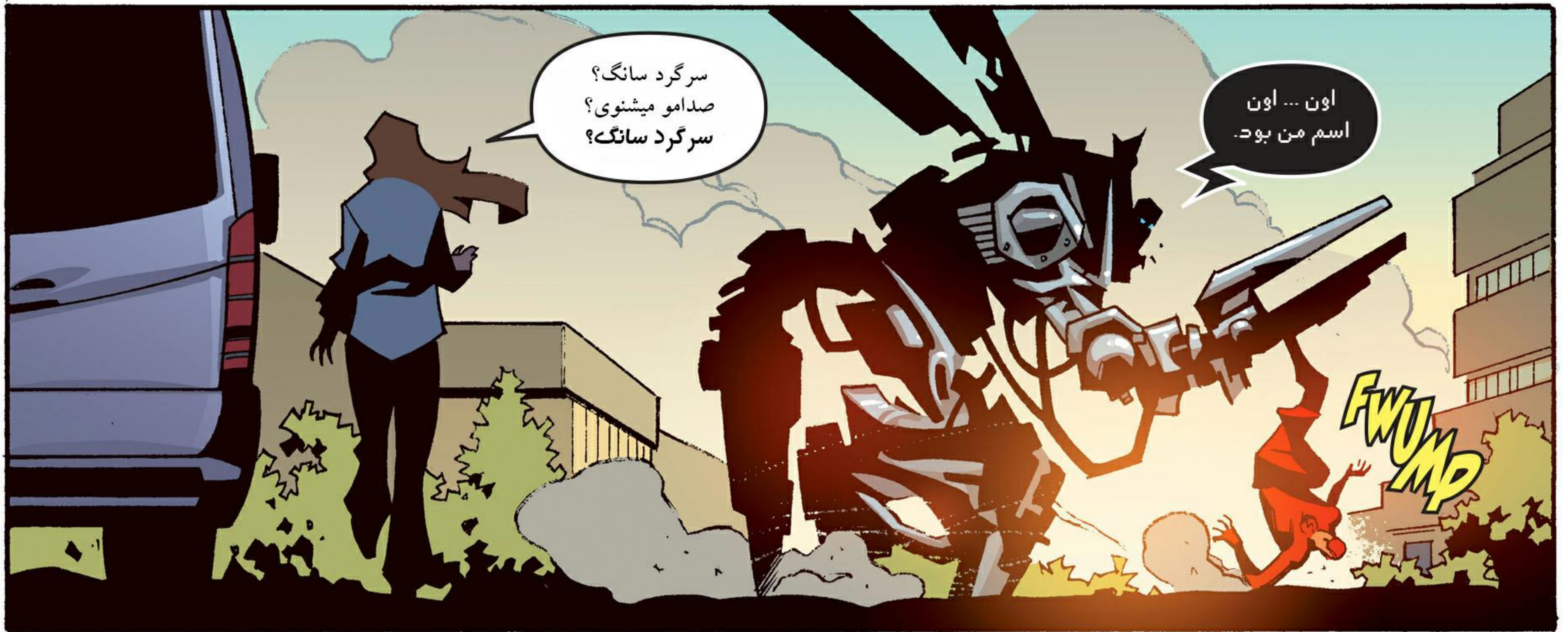
آخ ... بهش  
لگد بزنم!!

بری!!



سیسکو،  
حالا!!

شروع  
کن.



سرگرد سانگ؟  
صدامو میشنوی؟  
سرگرد سانگ؟

اون... اون  
اسم من بود.

FWUMP



گزارشت رو پرونده  
بندی کن و بگو که مدرک  
کافی واسه دستگیری من  
نداشتی.

منم دهنم رو راجع  
به بلایی که سر سرگرد سانگ  
آوردین میبندم و هردو  
به راهمون ادامه  
میدیم.

ولی  
... تو





اسنو ...  
من خود  
ماشین ام.

بزار من کمکت  
کنم، یه راه پیدا  
میکنیم تا از توی اون  
ماشین درت بیاریم.



من چونه  
نمیزنم آقای فلیسل.  
دارم یه هشدار  
میدم.

کیف و لپتاپت و  
خانم کیلان و کرواتت  
رو توی ماشینت پیدا  
میکنی.

کرواتم  
؟؟رو



اونا نمیزارن  
من بمیرم.

اگه منو اینطوری  
ببینن، منو زنده  
نگه میدارن، تو درد،  
...تا بتونن روم تحقیق  
کنن.

واسه  
همین اومدم پیش  
تو، واسه همین  
خواب تو رو دیدم.

اونا نمیزارن  
من بمیرم.



سیستم نابودی خودکار،  
کد فعال سازی راه  
دور: اسنو، ترا-فایو-فایو  
ناین-گاما.

مجوز نابودی  
خودکار صادر شد.



مدل موهاتو عوض  
نکردی.

کد آغاز  
نابودی: نانسی  
سِون-سون-کاردینال  
وان ...



فقط یه  
خواب کوتاه

... پیکر-فور  
فور.



صورت‌م رو  
نگاه کن  
سرگرد.

نابودی خودکار  
فمالم شد.



دور شو.

و ستاره های  
شانست رو بشمار.

قسمت بعدی:

**فلاش در مقابل  
دخیا!**

ترجمه شده در:

# کمیک سینتی

مرجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR

**COMIC CITY**